

به نام خدا

جایگاه پرونده شخصیت در حقوق ایران

با نگاهی به قانون جزای فرانسه

مؤلف :

ابوالقاسم صاحبی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۹

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات ۸

فصل دوم : اهداف مجازات‌ها و موقعیت شخصیت

بزهکار در اصل فردی کردن مجازات‌ها ۶۱

فصل سوم : مبانی علمی لزوم تشکیل پرونده

شخصیت بزهکار ۱۱۳

فصل چهارم : جایگاه توجه به شخصیت بزهکار

در مجازات‌های اسلامی و جرائم حقوق جزایی

فرانسه ۱۴۹

فصل پنجم : ابروآسیون و جایگاه آن در فرآیند

دادرسی ایران و فرانسه ۱۹۳

مقدمه

انسان بزهکار فردی است که در نتیجه عوامل مختلف مرتکب جرم شده و با واکنش جامعه که مجازات نام دارد، روبه‌رو می‌شود. این پارامترها و عواملی که فرد را به سمت بزهکاری و ارتکاب جرم سوق می‌دهد، گاهی منشاء اجتماعی دارد مانند فقر، بیکاری و عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در خانواده یا محیطی که بزهکار در آن رشد نموده است.

و گاهی دارای منشأ روانی از قبیل اختلالات و نابسامانی‌های روحی و روانی می‌باشد. بنابراین همانطوری که برای درمان مناسب و مؤثر یک بیماری به بررسی علل و شناخت تمامی آن پرداخته می‌شود، برای تعیین مجازات متناسب با شخصیت و حالت

خطرناک نیز می‌بایست تمامی علل و عواملی که فرد تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردیده و همچنین ذوق و استعداد و تمایلات حسی و روانی وی مورد پژوهش و مطالعه قرار گیرد؛ چراکه مجازات هدف غایی و نهایی نیست، بلکه وسیله‌ای جهت اصلاح و اعاده شخص به زندگی اجتماعی است.

اصلاح و درمان بزهکار از جمله کارکردهای مفید ضمانت اجرای کیفری محسوب می‌شود که عبارتند از لحاظ شخصیت مرتکب در فرآیند عدالت کیفری به منظور همسان ساختن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی وی. لذا نگرش صرف به فعل یا ترک فعل مجرمانه به منظور تعیین واکنش اجتماعی بدون اینکه شخصیت مرتکب و عوامل جرم‌زا مخاطب عدالت کیفری قرار گیرد، خلاف یک دادرسی عادلانه است.

در طول تاریخ با ظهور مکاتب حقوق جزا - برخلاف گذشته که تنها به جرم و مجازات توجه می‌شد

- شخصیت بزهکاران به شکلی جدید و علمی مورد توجه و بررسی قرار گرفت و بر همان اساس مجرمین دسته‌بندی شده و برای هر طبقه از آنها مجازات یا تدابیر تأمینی متناسب با خصوصیات شخصیتی آنها پیشنهاد گردید.

این انقلاب فکری نوین در عرصه حقوق جزا و به ویژه جرم‌شناسی موجب پیدایش اصل فردی کردن گردید که به موجب آن در مراحل تعیین، اعمال و اجرای مجازات شخصیت بزهکاران مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. در همین راستا برای شناسایی خصوصیات فردی و اجتماعی مجرمین تشکیل پرونده شخصیت مباشران در رسیدگی به جرائم مورد تأکید و عمل قرار گرفته است. با تحقق تحول مذکور در حقوق موضوعه، قانونگذار ایرانی نیز از تحقیقات انجام شده و خصوصاً اصل فردی کردن مجازات‌ها الهام گرفته و جهت انسانی و عادلانه کردن کیفر در مقررات جزایی خود به فردی کردن تقنینی، قضایی

و اجرایی مجازات‌ها همت گماشته است، هرچند خلأ تشکیل پرونده شخصیت همچنان احساس می‌شود. اگرچه رعایت شخصیت بزهکار در مقررات کیفری اسلام نیز دارای جایگاه مستحکمی است، بالاخص در مجازات‌های تعزیری که قضات اختیارات زیادی در تعیین و اعمال مجازات دارند که ما در این اثر به بررسی موقعیت توجه به شخصیت بزهکار در قوانین جزایی ایران با نگاهی مختصر به قوانین جزایی کشور فرانسه به عنوان یک نظام مترقی و پیشرفته حقوقی خواهیم پرداخت.

همانگونه که از مفهوم عنوان اثر پیداست، حوزه تحقیق ما از اصل فردی کردن مجازات‌ها فراتر رفته و کلیه مواردی که شخصیت بزهکار در قالب پرونده شخصیت در سیستم دادرسی ایران و فرانسه رعایت گردد را نیز شامل می‌شود.

در تدوین این اثر با کمبود کتب و آثاری که قبلاً تحت همین عنوان بحث و بررسی شده بود مواجه

بودیم و به ویژه در بخش کتب خارجی که مربوط به نظام حقوقی و قضایی فرانسه بود با محدودیت شدیدی روبرو شدیم که ناچاراً از منابع خارجی لاتین و ترجمه شده در کنار منابع فارسی و عربی موجود در مباحث گوناگون کیفری، جرم‌شناسی، روانشناسی به لحاظ گستردگی موضوع استفاده نمودیم.

فصل اول

کلیات

مبحث اول : آشنایی با مفاهیم

الف - تعریف بزهدکار:

بزهدکار صفت مرکب و فاعلی واژه بزهد است. در لغت‌نامه دهخدا این واژه به معنای گناه و خطا می‌باشد. همچنین در لغت‌نامه مذکور معنای دیگری نیز برای این واژه آورده شده است که عبارتند از: «حابه، گناه، وزر، حوب، حوبه، جناح، جرم، عصیان، ذنب، مأثم، معصیت ناشایست، حنث، جزیره، سینه، اثم، نافرمانی.» بزهدکار نیز مأثوم، عاصی، مذنب، بزهمند، تبهدکار، گناهکار و مجرم معنا کرده‌اند.^۱

در متون حقوق جزا به جای واژه بزهکار بیشتر از کلمه مجرم و جانی استفاده می‌شود. مجرم اسم فاعل جرم است. جرم و جریمه از «جَرم» به معنی قطع کردن گرفته شده است که راغب در مفردات اصل معنی جرم را بریدن میوه از درخت می‌داند. بنابراین جرم به معنی گناه نیز از همین ریشه است که موجب قطع رحمت خداوند از انسان خواهد شد. مجرم در لغت نیز به معنای گناهکار، بزه‌مند، مزنب و بزهکار است.^۱

ما در اینجا تفاوتی بین مفهوم بزهکار، مجرم و جانی قائل نیستیم و آنها را به صورت مترادف به کار برده‌ایم، هرچند با مطالعه کتب حقوقی و جرم‌شناسی مشاهده می‌شود که بزهکار به مجرمی اطلاق می‌شود

که کمتر از سن معینی هستند.^۱

همچنین واژه بزهدکار بیشتر مورد استفاده جرم‌شناسان بوده است که به مجرم به صورت بیمار می‌نگرند. در مجموع از دیدگاه از دیدگاه حقوقی بزهدکار یا مجرم به کسی اطلاق می‌شود که مبادرت به فعل یا ترک فعلی نماید که مطابق قانون جرم شناخته شده و برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است.

ب- تعریف مجازات:

کلمه مجازات معادل واژه پاداش دادن، کیفر، سزا، کفایت کردن، بجا آوردن حق دیگری است. در تعریف جزا گفته‌اند: «جزا در اصل به معنای بی‌نیازی و کفایت

۱ - محمود صنوف، *نظریه مجازات و جزا*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰.

۲ - *فقه مجازات*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰.

۳ - کوهن، *فقه مجازات*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰.

۴ - *فقه مجازات*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰.

است و پاداش را جزا می گویند چون از حیث مقابله و
برابری در آن کفایت هست.»^۱

در فرهنگ‌نامه دهخدا، مجازات به معنای پاداش
دادن، جزا دادن در نیکی و بدی، سزا، کیفر و مشقتی
که مقنن به مجرم تحمیل می کند، آمده است. وقتی
یک عمل ضد اجتماعی که در قانون به عنوان مختل
کننده نظم عمومی برای مجازات در نظر گرفته شده،
واقع گردید و بررسی واقعیات دعوی جزایی تحقق
عمل مجرمانه را محقق دانست، مجازات به عنوان
سزای عمل مخالف قانون به مجرم تحمیل می شود.
برخی حقوقدانان به اعتبار هدف، مجازات را مشقتی
می دانند که برای سه منظور تلافی، اصلاح، تصفیه
اخلاقی و مصونیت جامعه از افراد مجرم بر او تحمیل

می‌شود.^۱

عده‌ای نیز بر اساس ماهیت؛ نتیجه و کیفر همراه با رنج و تعب بر مجرم را مجازات خوانده‌اند.^۲ در مجموع می‌توان گفت مجازات نتیجه و کیفری رنج‌آور است که بر مجرم به منظور اجرای عدالت و با هدف اصلاح و تربیت تحمیل می‌شود. و در واقع رنج و تعب وجه متمایز حقیقی مجازات است.

با توجه به تعریف فوق، اقدامات تأمینی و تربیتی از جهت اینکه تدابیری به منظور دفاع و حمایت از جامعه است، با مجازات وجه تشابه دارد، ولی چون هدف از اعمال این اقدامات رنج‌آور و آزار افراد نیست، هرچند موجب محدودیت برای افراد می‌شود، از مفهوم مجازات به معنای خاص آن جدا است.

۱- سید محمد تقی میرزا

۱

طوطی ۲ ص ۴.

توطی

طوطی ۱ ص ۲

۲ علی

رفعی ۴ ص ۲.

ج- تعریف شخصیت:

در حال حاضر تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد. برخی از روانشناسان شخصیت، جذبه فیزیولوژیکی کنش انسان را مطالعه می کنند و از روش های مناسب برای پژوهش در این زمینه سود می جویند. گروهی از روانشناسان شخصیت به افراد و رفتار مشهود آنها توجه می کنند. بعضی، شخصیت را با تو به ویژگی فرآیندهای ناهوشیار تعریف می کنند. و سرانجام بعضی از روانشناسان شخصیت را تنها از طریق ارتباط های متقابل افراد با یکدیگر و یا نقش هایی که در جامعه بازی می کنند تعریف کرده اند.

در فرهنگ معین در مورد معنی شخصیت آمده است: ۱- سبیه مختص هر شخص، خاصه هر فرد ۲- مجموعه عوامل باطنی یک شخص، مجموعه نفسانیات (احساسات، عواطف و افکار) یک فرد.^۱

۱ زیهن ولتد سلج ۱ حج لؤلؤ ۲

۱ کی

ویلیام شلدون، روانشناس آمریکایی شخصیت را چنین تعریف کرده است: «شخصیت سازمان پویای جنبه‌های شناختی، انفعالی (عاطفی و تأثیرپذیری) ارادی، فیزیولوژیک و سیماشناختی فرد است.»^۱

در تعریف دیگر آمده است: «مجموعه و ترکیب خاص و غیرقابل تفکیک کلیه خصوصیات جسمانی، کرداری، تمایلات هوشی، عاطفی و روانی هر فرد که او را به صورت یک واحد در جامعه مشخص می‌نماید، شخصیت اوست.»^۲ و بالاخره مرحوم دکتر کی‌نیا در یک تعریف نسبتاً جامع شخصیت را اینگونه تعریف کرده‌اند:

«شخصیت عبارت است از سازمان منکاملی از خصائص بدنی و روانی آدمی اعم از ذاتی و اکتسابی که جمعاً معرف هویت فرد آدمی است و او را از سایر

۱ کی نیا، ویلیام شلدون.

۲ محمد ولند سلی و ولکی سلی

۴ ص ۴

افراد جامعه به طور روشن متمایز می‌سازد. شخصیت حقیقتی است واحد و غیر قابل تقسیم که چگونگی سازگاری فرد آدمی را با محیط و اجتماع تعیین می‌کند.^۱

د- مفهوم اقدامات تأمینی و تربیتی:

در کنار ضمانت اجراهایی که هدف آنها مجازات مرتکبین جرائم پیش‌بینی شده در قوانین جزائی است و سالیان متمادی به عنوان تنها حربه موجود جهت حفظ نظم عمومی محسوب می‌گردیده، اقدامات نیز به منظور سرزنش و اصلاح برخی رفتارها در قانون تحت عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی مورد شناسایی قرار گرفته است. این اقدامات فردی الزام‌آور به کسانی تحمیل می‌شود که اصطلاحاً خطرناک نامیده می‌شوند و منظور از اعمال آنها جلوگیری از وقوع جرائمی است

که حالت خطرناک افراد احتمال وقوع آن را می دهند.

اقدامات تأمینی تربیتی برخلاف مجازات‌ها اهداف کیفی را دنبال نمی‌نماید و هدف از ایجاد آن پیشگیری از فعالیت مجرمانه احتمالی می‌باشد و البته همچون مجازات‌ها دارای جنبه الزام‌آور است.

مجازات نه تنها به عدالت سازگار نیست، بلکه متضمن نفع و فایده اجتماعی نمی‌باشد. لذا می‌بینیم ریموند سالی^۱ اندیشمند فرزانه فرانسوی طلایه‌دار و طرفدار اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها در کتاب خود به نام «فردی کردن مجازات‌ها»^۲ می‌گوید: «ما باید بالاخره این واقعیت را بپذیریم که مجازات بایستی مبتنی بر اصل اختیار و مسئولیت باشد. منتهی به نظر ما این اصل باید با در نظر گرفتن شخصیت و احوال روانی مجرم اعمال و اجرا شود، زیرا در بین کلیه افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، فقط یک وجه

1. R.saleille

2. L'individualisation de la peine

اشتراک وجود دارد که آن هم «جرم ارتكابی» است که در مورد همه افراد یکسان است.

صرف نظر از این جرم خاص که بین همه مرتکبین آن جرم یکسان است، هیچگونه شباهت دیگری بین آنها وجود ندارد. اختلافات و تفاوت‌های عظیمی در خصوص سن تربیت، وضع اجتماعی، وضع سلامتی، وضع روحی و روانی، میزان هوش و مذهب و غیره آنها را از هم جدا می‌نماید. در چنین شرایطی و با توجه به این اختلافات عدالت و انصاف ایجاب می‌نماید که بین مجازات مجرمین تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، ولی باید به قاضی اجازه داده شود که به هنگام محاکمه کلیه این عوامل را در نظر گرفته و با توجه به جمیع جهات مجازاتی متناسب با شخصیت هر فرد مجرم تعیین نماید.^۱

این پیشنهادات موجب شد مقنن دایره کیفیات

مشده و مخففه را توسعه بخشیده تا بدینوسيله قضات بتوانند مجازاتی متناسب با مسئولیت واقعی مرتکب مورد حکم قرار دهند. پروان این مکتب نیز تشکیل پرونده شخصیت^۱ را برای هر یک از مجرمین ضروری دانسته و معتقد بودند که قاضی می‌تواند با توجه به این پرونده و اطلاع از نظر پزشک، روانشناس و متخصصان درباره مجرم حکم قطعی و عادلانه‌ای صادر نماید.^۲

و- تعریف ابرواسیون

ابرواسیون عبارت است از مجموعه تحقیقات و آزمایش‌هایی که برای شناسایی شخصیت بزهکار به کار می‌رود.

تحت تأثیر قطعنامه‌های کنگره‌های بین‌المللی این رویکرد پذیرفته شده است که درمان باید مناسب با نوع

1. Dossier de Personalite

کلیه ویکتور سلی تیلر

بیماری باشد. برای تعیین کیفر متناسب با شخصیت و حالت خطرناک مجرم نیز تمام علل و انگیزه‌هایی که موجب ارتکاب جرم شده است و همچنین استعداد و تمایلات جسمی روانی و حالات روحی بزهکار باید مورد تحقیق و آزمایش قرار گیرد تا اصلاح و تربیت یا درمان بزهکار امکان‌پذیر باشد.

مبحث دوم: تاریخچه توجه به شخصیت بزهکار در تحولات کیفری

گفتار اول: مکتب تحقیقی حقوق جزا

این مکتب در نیمه دوم قرن نوزدهم و تحت تأثیر عقاید و افکار آگوست کنت قرار گرفت و با توجه به اینکه بنیان این مکتب ایتالیایی بودند، این مکتب را مکتب ایتالیایی نیز نامیدند. بنیان‌گذاران این مکتب عبارتند از: ۱- سزار لمبروزو پزشک و جرم‌شناس

استرالیایی که در سال ۱۸۷۶ کتاب «انسان تبه‌کار» را منتشر کرد. ۲- انریکوفری استاد حقوق و جامعه شناس ۱۸۸۹ کتاب «افق‌های جدید عدالت جزایی» را منتشر کرد. ۳- رافائل کاروفالو: قاضی و حقوقدان و وکیل دادگستری در سال ۱۸۸۵ کتابی تحت عنوان «جرم‌شناسی» را منتشر کرد.

مکتب تحقیقی درباره مجازات، استقرار تجربه درباره جرم است و از این مکتب مختار بودن در ارتکاب جرم مردود است و در پی کشف علت بزه برآمده و بیشتر به تأثیر بخشی از عوامل محیطی پرداخت است و مجازات را به خاطر دفاع اجتماعی و حفظ امنیت و حقوق افراد می‌شناسد و نتیجه می‌گیرند که دفاع اجتماعی امری منطقی و قانونی کلی است که باید مستقل از اراده و مسئولیت بزه‌کار باشد و مجری اگر مرتکب جرمی شده، به خاطر زندگی در آن اجتماع مسئول است و از نظر این مکتب مسئولیت اجتماعی جایگزین مسئولیت اخلاقی خواهد شد. مسئولین مؤسسين مکتب تحقیقی

(اثباتی) برای اولین بار شناسایی شخصیت بزهکار را در مقوله مجازات به شکلی وسیع و علمی مورد توجه قرار داد و اذهان عمومی را که تا آن زمان مورد توجه جرم و آثار آن بود، معطوف به شخص مجرم ساخت.

این مکتب عقیده دارد که سرکوبین نباید بر اساس جرم ارتكابی، بلکه با توجه به شخصیت مرتکب و حالت خطرناکی که او از خود بروز می‌دهد، اعمال شود؛ چرا که بدون شناسایی شخصیت بزهکار از طریق انجام آزمایش‌های پزشکی و روانشناسی، امکان اصلاح و تربیت او امکان‌پذیر نخواهد بود.

به نظر این مکتب افراد، به علت عوامل جسمانی و اجتماعی مرتکب جرم می‌شوند و بزهکار نشانه‌ای از آسیب اجتماعی است و برای سالم‌سازی جامعه باید افراد مجرم را به نحوی از جامعه دور نگه داشت تا آثار مخرب جرم بر روی جامعه تأثیرگذار نباشد.

برای این کار مجازات لازم نیست، بلکه باید

اقدامات تأمینی به کار برد. همچنین در خصوص ماهیت و شکل مجازات پیروان این مکتب، پیشنهاد استفاده از وسایل و تدابیری را می‌کنند که با ویژگی‌های شخصیت مجرمین هماهنگی داشته و بتواند هدف اصلی قانون را که تأمین اجتماعی است، محقق نماید. به همین لحاظ مکتب تحقیقی مجرمین را به طبقات خاصی تقسیم کرده است. بنیان این مکتب اختیار افراد به ارتکاب جرائم و مسئولیت اخلاقی را مردود می‌دانستند. لمبروزو در گزارشی که در سال ۱۸۱۰ به کنگره سن پترزبورگ بر ضرورت انجام آزمایش‌های پزشکی و روانی به منظور شناسایی شخصیت بزهکاران تأکید نمود و بیان داشت: «در ایام قدیم تصور می‌شد که می‌توان بیماری را بدون شناسایی بیمار معالجه کرد و همچنین تصور می‌شد که می‌توان از پیدایش جرایم بدون شناخت جرم و دانستن علل ارتکاب آن جلوگیری نمود، زهی خیال باطل! آیا افزایش روزافزون مجرمان سابقه‌دار دلیل قانع‌کننده‌ای بر هم پایه بودن این نظریه نیست؟ بین کسی که بر اثر بیماری روانی

یا احساسات ناشی از عشق مرتکب قتل می‌گردد با کسی که با خبث طینت دیگری را می‌کشد، تفاوت بسیار است. با توجه به همین تفاوت دو شخصیت، بایستی برای آنان مجازات‌های متفاوتی هم در نظر گرفت و این امر ممکن نیست مگر پس از شناسایی کامل شخصیت مجرم.»

لمبروزو تحقیقات خود را به روش تجربی بر روی ۳۸۳ جمجمه جسد انسان بزهکار و ۵۹۰۷ بزهکار زنده انجام داد و سرانجام به این نتیجه رسید که جرم عملی است حیوانی، وقتی در انسان رخ می‌دهد، نشانه بازگشت غرایز حیوانی به سوی انسان است و بزهکار به خاطر استخوان‌بندی که دارد، مرتکب جرم می‌شود. لمبروزو هر جرم را که در انسان رخ می‌دهد، زائیده‌های از توارث در طبیعت می‌داند و کیفر را نیز به خاطر آنکه مجرمین مخل زندگی اجتماعی هستند، می‌پذیرد و درباره مجرمین باید آنها را درمان کرد و اگر درمان مؤثر واقع نشد، باید آنان را برای همیشه

از اجتماع دور کرد. لمبروزو هرگونه مختار بودن در ارتکاب جرم را مردود می‌داند.

وی در ادامه تحقیقات خود مجرمین را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- **جانی مادرزاد:** که از لحظه تولد با توجه به شرایط جسمانی و نحوه استخوان‌بندی مستعد ارتکاب جرم هستند و این کار از روی تشریح ساختمان جسمی و روانی شخص مشخص می‌شود و نظر به اینکه این افراد زودتر از دیگران تحت تأثیر عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرند، باید از جامعه طرد شوند.

۲- **جانی به عادت:** اینگونه مجرمین از بدو تولد مانند جانیان مادرزاد خوی ارتکاب جرم در خود ندارند، اما به انگیزه عادت دست به ارتکاب جرم می‌زنند و عمل مجرمانه خود را تکرار می‌کنند. از دیدگاه مکتب تحقیقی عامل مؤثر در رفتار مجرمانه مجرم به عادت شرایط و اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی است، به

همین دلیل باید از جامعه دور شوند.

۳- جانی احساساتی: که تحت تأثیر احساسات

مرتکب جرم می‌شوند و باید اصلاح و تربیت شوند.

یکی دیگر از طرفداران مکتب تحقیقی حقوق جزا انریکو فری استاد دانشگاه رم است و از نظر فری علل جرم نه تنها در شخص بزهکار، بلکه در عوامل اجتماعی نیز مؤثر است. فری عوامل جزای را ثمره و محصول عامل بی‌تناسبی اندامی و روانی وراثتی و محیطی و اجتماعی می‌داند و آن را بیوپسیکو سوسیال معرفی می‌کند. فری نظریه خود را تحت عنوان «قانون اشباع جنایی» ارائه می‌دهد که طبق این نظریه یک جامعه قادر به تحمل میزان محدودی از جرم است و از آن نتیجه می‌گیرد که جرم به عوامل طبیعی، اخلاقی و اجتماعی آن محیط بستگی دارد و معتقد است که برای جلوگیری از وقوع جرم باید ظرفیت جزایی محیط را مورد توجه قرار داد. او مجرمین را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱. مجرمین مادرزاد: فری برخلاف لمبروزو، با طرد جانی بلفطره و مجازات اعدام مخالف است.

۲. مجرمین به عادت: کسانی که قابلیت انطباق با جامعه را ندارند و مدت زیادی را در زندان به سر می‌برند و هنگامی که در حبس‌اند، مؤدب و با انضباط هستند و به محض خروج از زندان دوباره مرتکب جرم می‌شوند. این‌گونه مجرمین نیز می‌بایست از جامعه دور نگه داشته شوند.

۳. مجرمین احساساتی: بدون تفکر و تصمیم قبلی دست به ارتکاب جرم می‌زنند و بلافاصله پشیمان می‌شوند. اینان باید تحت درمان خاصی قرار گیرند، چون این افراد مجرمین واقعی نیستند، نباید مجازات‌های معمولی را در مورد آنها اجرا کرد.

۴. مجرمین اتفاقی: تحت تأثیر اوضاع و احوال و عوامل مختلف روانی و اوضاع اجتماعی مرتکب جرم می‌شوند. برای اصلاح و تربیت آنان بایستی محیط جرم‌زا را از بین برد.

۵. مجرمین مختل‌المشاعر و بیماران روانی: در اثر ابتلاء به بیماری‌های مختلف روانی مرتکب جرم می‌شوند، چون خوب و بد و نتیجه اعمال خود را تشخیص نداده، حالت خطرناک دارند و باید دور از اجتماع نگهداری شوند.

گاروفالو یکی دیگر از دانشمندان، حق مجازات در مقابل جرم را یک واکنش طبیعی می‌داند که از نظر دفاع اجتماعی ضروری است. او اثرات عوامل ارثی در ارتکاب جرم را پذیرفته و اصل تطبیق مجازات را با شخصیت مجرم پیشنهاد و تدابیری را که برای پیشگیری از وقوع جرم به کار می‌رود را سیاست کیفری نامیده است و تقویت دو عنصر زیر را از عوامل مؤثر در پیشگیری از ارتکاب جرم بیان نموده است.

۱- حس خیرخواهی که مانع ایجاد مزاحمت و آزار به دیگران می‌شود.

۲- حس مساوات و عدالت که مانع تعدی و تعرض به دیگران می‌شود.

یکی دیگر از طرفداران سیاست کیفری طرد بزهکاران؛ گابریل تارد است و در مورد حق مجازات جامعه در مقابل مجرمان معتقد است که جامعه در مقابل مجازات مجرمان حق دارد آنها را کیفر دهد. او مسئله جبر علمی در بزهکار را مطرح کرد و در نتیجه ضرورت کیفر و استفاده از اقدامات تأمینی را به نحو خاصی تبیین نمود.

مختصات فکری مکتب تحقیقی حقوق جزا

۱- جایگزین کردن مسئولیت اجتماعی به جای مسئولیت اخلاقی

۲- توجه به علل ارتکاب جرم.

۱- مکتب تحقیقی حقوق جزا به جای مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و به جای مجازات، اقدامات تأمینی را پیشنهاد می‌کند و اقدامات تأمینی مکتب تحقیقی را از یک سو نگاهی می‌داند بر تدابیر و اقدامات فردی و از سوی دیگر مشمول تدابیر و اقدامات تأمینی اجتماعی قلمداد می‌نماید. به‌طور کلی می‌توان گفت اقدامات تأمینی مکتب تحقیقی درباره تمامی افرادی که هنوز مرتکب جرم شده‌اند، قابل اجراست.

۲- توجه به علل ارتکاب جرم: طبق نظر مکتب تحقیقی حقوق جزا باید در مطالعه بر روی افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، به ویژگی (حیاتی - آب‌وهوایی) که فرد را احاطه نموده‌اند توجه نمود، زیرا فرد با توجه به نقش حیاتی و روانی و یا با توجه به شرایط آب‌وهوایی دست به ارتکاب جرم می‌زند.

پیروان مکتب تحقیقی، جرم را مانند یک بیماری می‌دانند و معتقدند که مجازات واکنش اجتماعی است